

## شکست تاریخی سپاهیان فرانسه

### در گذرگاه پیرنه

شارلمانی پادشاه فرانسه با سپاهیان تحت فرمان خود هنگام عبور از سلسله جبال «پیرنه» از «باب شزری» یا «باب شزورا» گذشت و قلمرو «باشکنس» یعنی ایالت ناوار Navara کنونی را گشود و «پانپلون» مرکز آنرا محاصره کرد و اندکی بعد تصرف نمود.

«ناوارها» شاخه ای از «باشکنس» بودند. باشکنسها از زمان تسلط و زیگت‌ها عادت داشتند که به این آسانی حاضر به تسلیم در برابر نیروی بیگانه نمی‌شدند. با این وصف و با همه سرسختی آنها شارلمانی قلمرو ناوار را به تصرف آورد.

آن دسته از نیروهای فرانسه که از سمت مشرق جبال پیرنه پیش می‌آمدند، در حقیقت نقاط مسیحی نشین را متصرف می‌شدند، زیرا مسلمانان از زمان «پبین» پدر شارلمانی حکومت بر این ناحیه را رها نموده بودند. بهمین جهت آنها در قلمرو دوست پیشروی می‌کردند و همه جا با استقبال مردم مواجه می‌گشتند. سلیمان بن یقظان از هنگام ورود (شارلمانی) به پانپلون آمد و رفت می‌نمود و گروگان‌های مسلمین را طبق تعهدی که نموده بود بوی تسلیم کرد، و قبل از همه «ثعلبه بن عبید» فرمانده سپاهیان عبدالرحمن فرمان‌روای کل اسپانیا بود. بعضی هم گفته‌اند، وی ثعلبه را پیش از آمدن شارلمانی به فرانسه بوی تسلیم کرده بود و شارلمانی «ثعلبه» را در فرانسه بازداشت نمود.

هنگامیکه «شارلمانی» از کار اشغال «پانپلون» فراغت یافت، در حالیکه سلیمان بن یقظان او را همراهی میکرد عازم «سرقسطه» شد (۱) سرقسطه مهمترین

نقطه‌ای بود که سلیمان در «پادربورن» تمهید کرده بود که به شارلمانی تسلیم کند .  
 قسمت دیگر نیروهای فرانسه در آن اوقات به برشلونه ( بارسلون ) رسیده بودند و از ناحیه مغرب رهبسپار «سرقسطه» شدند ، تا با نیروهای تحت فرمان شارلمانی تلاقی کنند .  
 شارلمانی فکر می کرد وقتی به «سر قسطه» رسید هم پیمانان مسلمان خود را برای همکاری با خویش و تسلط بر آن شهر بزرگ مهیا خواهد یافت ، ولی بعکس در آن موقع میان سران مسلمین اختلاف افتاده بود . حسین بن یحیی انصاری حکمران «سرقسطه» و هم- پیمان نخستین سلیمان از عاقبت تسلط فرانسویان بیمناک شد ، و در آخرین لحظه که متوجه گردید شارلمانی بسوی شهروی پیش می آید در مقام دفاع از شهر و حکومت خود بر آمد .  
 هنگامیکه شارلمانی با سلیمان به «سرقسطه» رسیدند، حسین بن یحیی نه تنها به استقبال آنها بیرون نیامد بلکه شهر را از هر جهت برای دفاع و مقاومت مهیا کرد. سلیمان نیز هر کاری کرد نتوانست حسین را قانع سازد که دروازه های شهر را بگشاید ، شارلمانی هم قدرت نیافت بر آن دست یابد (۱) .

از این رو سلیمان بن یقظان از تسلیم شهرها و دژهای نظامی اسلامی واقع در آن حدود به شارلمانی فرمانده سپاه فرانسه خودداری کرد و او نیز قادر به سرخ در آن کوه و کمرها و جنگهائی که آمادگی آنرا نداشت نبود شارلمانی در این هنگام نسبت به سلیمان سوء ظن پیدا کرد و او را دستگیر ساخت (۲) و با سپاهیان خود در سال ۷۷۸ میلادی مطابق شوال ۱۶۱ هجری به شمال شرقی فرانسه بازگشت .

بعضی از مورخان لاتینی علت بازگشت بیهوده شارلمانی را به شمال وعدم قدرت بر تصرف قلمرو اسلامی اسپانیا را اینطور تفسیر کرده اند که بوی خبر رسید دشمنان دیرین اوساکسونها از غیبت او در اسپانیا استفاده کرده و بحرکت درآمده اند تا سرزمین او را در آن سوی رودخانه «راین» اشغال کنند ، و همین خبر سبب شد که وی بسرعت به فرانسه باز گردد .

شارلمانی با کلیه نیروهای خود و اسیرش سلیمان بن یقظان و سایر گروگانها از راه «باشکنس» به شمال بازگشت . در این اثنا «ناوارها» نفرات خود را گرد آوردند و آماده دفاع از شهرهای خود مخصوصاً «پانپلون» شدند . مقاومت حسین بن یحیی حکمران «سرقسطه» نیز آنها را تشجیع کرد ، بسیاری از مسلمانان اطراف هم بکمک آنها شتافتند ، تا با اتفاق با دشمن مشترك پیکار کنند . ولی «شارلمانی» با نیروهای منظم خود بشدت «ناوارها» را مورد هجوم

(۱) مجموعه اخبار ص ۱۱۳

(۲) کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۵ .

قرارداد و مقاومت ناوارو هم رزمان مسلمین آنها رادرهم شکست و آنها ناچار شدند شهر را ترک گویند و به نواحی مجاور پراکنده گردند .  
بدینگونه شارلمانی برای دومین بار بر «پانپلون» استیلا یافت و درها و برج و باروهای آنرا ویران ساخت تا ناوارها نتوانند بمقاومت برخیزند ، و او به آسانی راه بازگشت سپاهیان خود را به فرانسه هموار سازد .

\* \* \*

شارلمانی «پانپلون» را بمنظور عبور از ارتفاعات «رونسفال» که به «باب شزری» - یکی از گذرگاه های جبال پیرنه - منتهی می گردید، ترک گفت . ولی آیا میداند در آنجا چه اتفاق افتاد ؟ . تواریخ اسلامی میگوید : وقتی شارلمانی از سرزمین مسلمانان دور شد و مطمئن گردید ، «مطروح» و «عیشون» پسران سلیمان بن یقظان بانفرا ت خود به شارلمانی حمله بردند و پدر خود را نجات دادند و به «سرقسطه» بازگشتند (۱)

این سخن کوتاه اشاره به شکست هولناکی است که سپاهیان فرانسه در مقابل «باب شزری» به آن مبتلا گردیدند ، و تواریخ لاتینی تفصیل آنرا برای ما باز گو می کند . از تواریخ اسلامی نیز استفاده میشود که وقتی شارلمانی سلیمان بن یقظان را دستگیر ساخت ، پسران او مجدداً با حسین بن یحیی حکمران «سرقسطه» متحد شدند، و نیروهای خود را جمع آوری نمودند و برای هجوم به سربازان فرانسه مهیا گشتند . آنگاه به تعقیب پادشاه فرانسه پرداختند تا پدر خود را آزاد سازند .

شارلمانی از همان راهی که آمده بود بازمی گشت . یعنی از دشت های «رونسفال»، گذرگاه «رونسفال» که به عربی آنرا «باب شزری» می نامند (۲) در سمت غربی سلسله جبال پیرنه و شمال شرقی «پانپلون» نزدیک آنجا واقع است .

این گذرگاه یکی از معا بر متعددی بود که از زمان تسلط رومی ها برای عبور از شمال به جنوب «پیرنه» مورد استفاده قرار می گرفت . مسلمانان نیز از همین گذرگاه برای رفتن به «گالیس» و بازگشت از آنجا استفاده می کردند . این سلسله جبال پر پیچ و خم و مرتفع در قرون متمادی بصورت سدی محکم شبه جزیره اسپانیا را از «گالیس» جدا می کرد و جنگجویان ناگزیر بودند که از این گذرگاه های مشهور عبور کنند .

(۱) : کامل ابن اثیر ج ۶ ص ۵

(۲) : این نام را شریف ادیسی به این گذرگاه داده و در اصل از اسم قدیمی رومی آن

گرفته شده است .

باری در یکی از این گذرگاه‌ها یعنی «باب شزری» بود که آن جنگ هولناک میان مسلمانان و فرانسویان بوقوع پیوست. زیرا هنوز سپاهیان فرانسه عبور خود را از آنجا آغاز نکرده بودند، که جنگجویان مسلمین به فرماندهی «عیشون» و «مطروح» از پشت سر به آنها حمله بردند و نظام آنها را درهم ریخته غنائم و اسرائی از آنها گرفتند، که از جمله سلیمان بن یقظان نیز در میان آنها بود.

تواریخ اسلامی صریحاً میگوید: مسلمانان بودند که دست به این حمله ناگهانی زدند، در صورتی که تواریخ لاتینی باشکنس‌های مسیحی را نام میبرند و میگویند آنها خواستند انتقام مظالم ویرانی شهرهای خود و بخصوص «پانپلون» را بدینگونه از فرانسویان بگیرند.

قول راجح در این مورد اینست که مسلمانان با کمک باشکنس‌ها اقدام به این حمله نمودند و هر کدام منظوری داشتند. مسلمانان میخواستند اسیران و گروگان‌ها و از جمله سردار خود سلیمان را آزاد سازند، و باشکنس‌ها قصد داشتند انتقام ویرانی و ظلم و فساد فرانسویان را در قلمرو خود بگیرند، مسلم است که آنها بکمک هم سپاهیان انبوه فرانسه را مورد هجوم قرار دادند و مسلم‌تر اینکه در این حمله مسلمانان پیشقدم بودند، چنانکه حماسه مشهور «رولان» که ذکر خواهیم کرد آنرا تأیید میکند.

در این حمله فرانسویان سخت شکست خوردند و در آن گیرودار بسیاری از جنگجویان و فرماندهان فرانسوی کشته شدند. اسیران و خزانه شاهی که در دنباله سپاه می‌آمد نیز بچنگ مهاجمین افتاد. سپاهیان شارلمانی در آن گذرگاه و کوه و کم‌قادر بهیچگونه دفاع از خویش نبودند، در نتیجه نکیست این شکست در قرون بعدی خاطر ملل اروپا و مسیحیان را بخود مشغول داشت.

**رولاند Roland** قهرمان حماسه تاریخی این جنگ حکمران قصر بریتانی (فرانسه) بود، در حماسه رولاند که بعد از این جنگ سروده شده است، حقایق با افسانه بسیاری آمیخته شده است. با این وصف در قرون متمادی بعنوان حماسه پر شور جنگی آن زمان میان اروپائیان باقی مانده است!

\* \* \*

خلاصه حماسه «رولاند» از این جنگ چنین است: «شارلمانی به اسپانیا لشکر کشید و هفت سال در آنجا جنگید، تا اینکه مرزها و شهرهای آنرا به استثناء «سرقسطه» که پایگاه مارسیل (۱) پادشاه اسلام بود، گشود. شارلمانی در کنار «قرطبه» فرود آمد. تا اینکه

۱ - این اسم بهمین گونه ضبط شده است

فرستادگان مارسیل آمدند و اظهار اطاعت کردند ، به این شرط که وی از اسپانیا کوچ کند .  
شارلمانی هم مجلسی از بزرگان و از جمله «رولان» برادرزاده خود منعقد ساخت و به مشورت پرداخت .

«رولان» عقیده داشت که باید جنگ ادامه یابد ، ولی دسته دیگری به سرداری «جانلون» حکمران «ماینس» خواستار صلح بود . نظر این دسته پذیرفته شد . زیرا فرانسویان از جنگ و کشتار خسته شده بودند .

«جانلون» برای «مارسیل» پادشاه عرب پیغام فرستاد که حاضر است با وی پیمان صلح به بندد ، ولی مارسیل با فرستادن تحف و هدایا او را فریب داد و این اتحاد موجب خیانت به «رولان» و دارودسته او شد .

«جانلون» به شارلمانی اظهار داشت که پادشاه عرب شروط فرانسویان را پذیرفته است ، شارلمانی هم دستور کوچ کردن را صادر کرد . رولان فرماندهی دنباله سپاه را بعهده داشت . دوازده نفر از امراء و بسیاری از جنگجویان فرانسوی نیز با وی بودند .

ولی همینکه سپاهیان به فراز گذرگاه‌های کوهستانی رسیدند «اولیفر» یکی از امرای لشکر ، سپاهی از مسلمین را که در حدود چهارصد هزار!! بودند دید . همانند به «رولان» پیشنهاد کرد که با شیپور خود شارلمانی را در مقدمه سپاه بکمک بطلبد ، ولی «رولان» نپذیرفت . سپاهیان مهاجم به قسمت عقب سپاه حمله بردند و زد و خورد سختی در گرفت ، رولان همچنان از کمک خواستن امتناع می‌ورزید ، تا اینکه سپاهیان متلاشی شدند و فقط شصت مرد با وی ماندند .

در این هنگام با شیپور از شارلمانی استمداد نمود و بدنبال آن بقیه یارانش نیز کشته شدند ، فقط «رولان» و «اولیفر» و دو نفر دیگر باقی ماندند .

وقتی مسلمانان متوجه شدند شارلمانی با سپاهیان خود برای جنگ با آنها برمی‌گردد ، بنا گذاشتند از آنجا کوچ کنند ، سه نفر باقی مانده یاران رولان نیز بقتل رسیدند ، خود رولان هم سخت زخمی شد و مشرف به مرگ گردید .

ولی در آخرین لحظه توانست باردیگر در شیپور خود بدمد . شارلمانی ناله او را از مسافت دور شنید و سرعت سر رسید و لشکر دشمن را پراکنده ساخت . فرانسویان کشتگان خود را دفن کردند ، و «جانلون» خائن سخت کیفر دید . «آلده» نامزد رولان هنگامیکه از مرگ وی آگاه شد جان سپرد .

این بود خلاصه داستانی که حماسه مشهور رولان را تشکیل میدهد ! این حماسه فرسنگها

## نامه امام به مالك اشتر

### تشكر و اعذار

از اينكه بواسطه گرفتاريهاي گوناگون نويسنده ، سلسله مقالات « نامه امام به مالك اشتر » در دو شماره اخير منتشر نشد بدینوسيله معذرت خواسته و نیز از خوانندگان نيكه ابر از لطف فرموده بودند سپاسگزاريم امید و ارييم با تحول همه جانبه ای که در شماره های آينده مجله در نظر داريم بوجود آوريم اين سلسله مقالات نیز مانند ساير نوشته ها مرتب منتشر شده ، وقفه ای در کار آن پيش نيايد دفتر مجله

نور

چشمیها!

مالكا ! نسبت بخدا و مردم از طرف خود و نزدیکان و نور چشمی هایت انصاف ده ! حق خدا و مردم را از ایشان بگیر! زیرا در غیر این صورت بدیشان ستم کرده ای و هر که به بندگان خدا ستم کند علاوه بر مردم ، خدای دشمن او خواهد بود ، و هر که خدا با او دشمنی کند حجت و برهانش باطل گردد و با خدا در جنگ و ستیز باشد مگر آنکه باز گردد و توبه نماید .

توبه گویم ! هیچ چیز همانند ظلم و ستم و پایداری بر آن مؤثر در زوال نعمتهای خدا و تعجیل در عقوبتهای وی نیست و برآستی که خدا دعای مظلومان و ستمدیدگان را می شنود و سخت در کمین ستمگران است .

مالكا ! میدانی چه کارهائی را بیشتر دوست داشته باش ؟  
آن کار که در راه حق و حقیقت در وسط قرار گرفته از آنحراف دورتر

گزارشی درباره :

# پنجمین کنفرانس بین‌المللی متخصصین مسائل اسلامی

در تاریخ ۲۱ اوت  
۱۹۷۰ مصادف با نهم  
شهریور ماه ۱۳۴۹  
« پنجمین کنفرانس  
بین‌المللی متخصصین  
مسائل اسلامی » در بلژیک  
در سالن سخنرانی دانشگاه  
لیمرشبروکسل بسر-  
پرستی آقای آبل استاد  
همان دانشگاه تشکیل  
گردید .

قبل از سخن پیرامون  
کنفرانس لازم بتذکر  
است که در سال ۱۹۶۰  
در یکی از کنفرانسهای  
بین‌المللی خاورشناسان  
لطفاً ورق بزیند

## رضایکسرخ

است ! و آن کار که عدلش عمومی تر باشد و رضایت مردم را بیشتر  
جلب نماید ...

برای چه ؟

زیرا در صورت نارضایتی مردم، رضایت و خشنودی نورچشمی‌ها  
اثری ندارد ، ولی در صورت رضایت مردم ناخشنودی نورچشمی‌ها  
ضرری نمیرساند !

صریحتر بگویم ! ویژگیان و نورچشمی‌های والی به گاه  
صلح و رفاه برای او از همه گران‌بارتر و پر خرج‌ترند و در هنگام  
گرفتاری و سختی از همه کس بی‌فایده تر ! از عدل و انصاف سخت  
گریزانند و وقتی خواهشی دارند بی‌اندازه مصرند ، اگر  
خواهششان برآورده شد از هر کس ناسپاسترند ، و اگر از ایشان  
دریغ شد عذر ناپذیر ترند ، در برابر مشکلات و گرفتاریهای  
روزگار ناشکیبا و بی‌طاقتند ، آری اینانند ویژگیان دستگاه و  
نورچشمی‌های فرماندار ! در مقابل ایندسته توده مردمند که  
ستون دین و جامعه مسلمین و ذخیره‌ای برای دفع دشمنند ! پس  
بکوش که همیشه هواخواه توده باشی و گوش دلت به فرمان آنها.  
ای مالک ! بتو بگویم از چه کسی دوری‌گزین، از آن کس که بیشتر  
از مردم عیبجویی می‌کند ، زیرا خواه و ناخواه در مردم عیب‌هایی  
هست که والی بیشتر از دیگران سزاوار است آن عیب‌ها را ببوشاند،  
پس در کشف اسرار مردم مکوش ! و گناهان پوشیده را بر-  
ملاساژ !

زیرا اگر جرم و گناه علنی شد تو مسئول رفع آنها هستی و تو  
باید که در تطهیر عیوب اجتماع بکوشی ! ولی اگر جرم و گناهی  
پنهان بود خدای بزرگ در باره آنها حکم خواهد کرد و تو مسئولیتی

## گزارشی درباره

که در مسکو تشکیل گردیده بود تصمیم گرفته شد که هر دو سال یکبار يك کنفرانس بین المللی روی مسائل مربوط به بنیای اسلام و خاورمیانه در قاره اروپا تشکیل گردد. در دنباله این تصمیم کنفرانس مزبور بطور منظم برپا گردیده است بدین ترتیب:

۱- در سال ۱۹۶۲

در قرطبه، اسپانیا.

۲- در سال ۱۹۶۴

در کامبریج انگلستان.

۳- در سال ۱۹۶۶

در رادلو، ایتالیا

۴- در سال ۱۹۶۸

در کومبرو، پرتغال

۵- در سال ۱۹۷۰

در بروکسل، بلژیک

خوشبختانه نگارنده

موفق شدم در پنجمین

کنفرانس مزبور در برو-

کسل بلژیک شرکت و یک

سخنرانی نیز پیرامون

خواجه نصیرالدین طوسی

در این باره نداری پس تا میتوانی پرده پوشی کن تا خدای بزرگ نیز عیب ترا ببوشاند!

« ترجمه متن قسمتی از نامه امام (ع) »

### توضیح و تفسیر

در حالیکه انبیای عظام پروردگار و مصلحان بزرگ تاریخ با کمال سختی و مشقت به مبارزه بزرگ و مردانه خویش علیه ظلم و بیادگری ادامه میدادند، بدانند ایشان و فتنه جویان بسیاری در کمال رفاه و آسایش بسر برده در مقابل حق و حقیقت صف کشیده سدی بزرگ بوجود میآورده اند تا آنجا که گاه بگردن کشی و طغیان خویش در مقابل مردان خدا افتخار هم میکرده اند!

دیده اند و دیده ایم که گاه خون هم با اصطلاح اذما غشان جاری نمی شده، در همان حال که مردان خدا خون دل میخورده اند اینان به مکیدن بقایای خون مردم مشغول بوده اند! . . .

چرا برای آنکه دنیا دار مجازات و مکافات حقیقی نیست! سزای واقعی اعمال انسان در سرای دیگر و جهان دیگر داده خواهد شد که:

الیوم عمل و لاحساب و غدا حساب و لاعمل جهان کنونی جای کار و کوشش است و حساب و کتابی در کار نیست و فردا (دنیای دیگر) جای حساب و کتاب است و کوششی نه!

معدالک برای اینکه بشر یکلی مغرور نشود و بواسطه فرورفتن در معاصی و گناهان یکباره خدا را فراموش نکند گاه سزای اعمالش را در این جهان نیز می بیند: **«ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لئنذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون - قرآن مجید»** فتنه و فساد در خشکی و دریای پدید آمد بخاطر کارهای ناشایستی که خود انسان انجام میدهد این بدان جهت است که ما بمردم بچشائیم نتیجه کمی از اعمالشان را شاید از راه کج بر گردند. امیرمؤمنان (ع) در دعائیکه به کمیل بن زیاد تعلیم میفرماید به پیشگاه پروردگار عرض می کند: **«خدایا! آن گناهان را بر من به بخش که موجب زوال نعمت می شود، پروردگارا! آن گناهان را از من بپامرز که موجب نزول بلا می گردد»**



## گزارشی درباره

در مورد اینکه آیا اونقشی در حمله مغول بینداد داشته است یا نه ایراد کنیم. در این کنفرانس بسیاری از مسائل مربوط به تمدن و علوم اسلامی از آغاز ظهور اسلام تا زمان حاضر مورد بحث قرار گرفت و عده‌ای در حدود ۱۲۰ نفر از اساتید و روساء دانشکده‌های خاورشناس کشورهای مختلف دنیا در آن شرکت و متجاوز از ۷۰ نفر سخنرانی ایراد کردند.

مسائلی که در خلال سخنرانی‌ها مورد بحث قرار گرفت بطور خلاصه بقرار زیر است:

ایمان عربهای جاهلی به «خدای بزرگ»، قرآن حدیث، تصوف و فلسفه اسلامی، معتزله و اشاعره تئوری «قیاس»، افکار تفتازانی، زبان و ادبیات عرب و ترک، رابطه منطق با شعر عربی و فارسی

و در میان گناهایی که موجب زوال نعمت و نزول بلا و مصیبت میگردد هیچ گناهی به عقیده امام (ع) از ظلم و ستم و پایداری بر آن مؤثرتر و کاری‌تر نیست.

با مطالعه در اوراق تاریخ این حقیقت بخوبی بر ما روشن میگردد که وقتی ظلم و ستم اوج میگردد و باصلاح فواره پر میشود موسم سرنگونی آن فرا می‌رسد، چه اندازه ستمگرانی که با کمال ذلت و بدبختی بیشتر دور از یار و یار جان سپردند، و بسزای اعمال تبهکارانه خویش رسیدند. چه بسیار ستمگرانی که حتی بدست عزیزترین کسان خویش از پای درآمدند و روزگار عزتشان سپری شد و پس از یک عمر که میخوردند خورده شدند!

شنیده‌اید که متوکل خلیفه عباسی بیدادگری را از حد گذراند، نسبت بخاندان پیغمبر (ص) و آل علی (ع) ستمها کرد، جورها نمود، میگویند برای اینکه یک وقت نکند یکی از دوستان آل علی بوی آسیبی برساند نقشه‌ها کشید من جمله: یکی از فرماندارانش نوشت شنیده‌ام شمشیری فلان استاد، ساخته که در نوع خود از نظر برندگی و جوهر داری بی نظیر است بهر قیمت هست آنرا برای من بخر و بفرست!

فرماندار پس از تحقیق فهمید که آن شمشیر بفروش رفته و بشهر دیگری منتقل شده است، جریان را گزارش داد، متوکل به فرماندار آن شهر نوشت شمشیر را برایش بخرند و بفرستند و بالاخره با زحمت بسیار و صرف مال فراوان شمشیر خریداری و به محضر خلیفه تقدیم شد، خلیفه مستحفظ مخصوص خویش را خواست و شمشیر را بر کمر او بست و گفت، هیچکس سزاوارتر از تو نیست که این شمشیر بر کمر او بسته باشد که تو محافظ جان خلیفه‌ای! تو باید این شمشیر را بکمر بندی و همه شب تا صبح مراقب باشی مبادا دشمنی آهنگ جان ما نماید!

با این ترتیب آسوده خاطر بود که با وجود شمشیر قیمتی و نگهبان مخصوص کسی را زهره آن نیست که قصد جانش نماید ولی نمیدانست روزگارا فرازونشیب بسیار است و بادست تقدیر نمیتوان جنگید طولی نکشید، ولیعهد زمان، فرزند عزیز و دلپندش از تعدی‌های پدر بجان آمده شبی بکاخ وارد شد و شمشیر را از نگهبان گرفت و با آن پدر را کشت و بالاخره معلوم شد که

## گزارشی درباره

ادبیات روستائی فارسی،  
نقش تشکیلات «مدرسه»  
دردنیای اسلام، مسائلی از  
تاریخ صفویه، ترجمه‌های  
لاتین کتب ابن سینا، شیعه  
امامیه در ماوراءالنهر در  
زمان سامانیان، جهاد  
در اسلام، اسلام در لیبی،  
الجزائر، مراکش،  
عربستان سعودی، تونس  
مصر و یوگسلاوی، مقایسه  
فتوح عربها و اسکاندینا-  
ویها، نقش سید جمال‌الدین  
اسدآبادی در سیاست مصر  
در اواخر قرن ۱۹، دولت و  
مذهب در ایران و مسائل  
دیگر که ارزش تحقیقی  
هر یک غیر قابل چشم‌پوشی  
است.

ناگفته نماند که متن  
سخنرانی‌ها که بزبانهای  
فرانسه، انگلیسی، آلمانی  
ایتالیائی و پرتغالی ایراد  
گردیده قراراست در یک  
مجموعه جداگانه چاپ  
و نشر گردد و دانشمندان  
متفکر ما در ایران در آن

زحمات خلیفه در راه تحصیل شمشیر هدر نرفته بود !!  
فقط آن شمشیر بدرد کشتن خلیفه و وزیرش میخورد و حیف

بود که با شمشیر قیمتی جان بیچاره‌ای گرفته شود!  
این یک نمونه بود و صفحات محدود مجله اجازه نمیدهد  
بوقایع تاریخی اشاره کنیم و پایان کار بسیاری از ستمگران را  
بررسی نمائیم! که غالباً سرنوشت‌هایی مشابه هم داشته‌اند- آغازی  
نیکو و فرجامی فکبت‌بار!

### کار بخاطر مردم

تردید نیست که در یک اجتماع بزرگ هر زمانه دارمصلحی  
دست بهر کار اصلاحی بزند طبعاً یکدسته ناراضی میمانند در  
اجتماعی که خوب و بد، ظالم و مظلوم، غنی و فقیر، قوی و  
ضعیف وجود دارد پیداست نمی‌شود کاری کرد که همه راضی باشند  
اگر قدمی برفع توده فقیر ورنجیر، زحمتکش و بی‌نوا برداشته شود،  
اغنیاء و ثروتمندان ناراضی می‌شوند، اگر بخوانند طبقه ممتازه!  
واشراف را راضی نگهدارند، رضایت آنها بقیمت خشم و  
غضب توده تمام می‌شود پس چه باید کرد؟

تا دیده‌ایم و شنیده‌ایم سفارش نورچشمی‌ها بوده است و  
توصیه کله‌کنده‌ها! شاید برای اولین و آخرین مرتبه این روش  
از طرف زمامداری بزرگ چون امام علی بن ابی‌طالب منسوخ شد  
و او بود که بفرمانداریش نوشت: آن کاری را اختیار کن که عدلش  
عمومی‌تر باشد ده نفر ناراضی باشند بهتر است که صدها هزار نفر  
و بعد بفرمانداریش دارمیدهد که بالاخره هر کار بکنی از خود -  
راضی‌ها از تو راضی نخواهند شد! امان از اشراف و نورچشمی‌ها  
که اگر عالم راهم لقمه‌ای کنی و بدهان نشان بگذاری باز هم رضایت  
نخواهند داد. و دیک حرس و آژان خاموش نخواهد گشت.  
و اگر احیاناً در انجام خواسته‌هاشان تعلل و رزی عذرت را  
نخواهند پذیرفت، اینها هستند که خرجشان برای حکومت از همه  
زیادتر، توقعشان بیشتر و نفعشان از همه کمتر است، در موقع  
بیچارگی حکومت هم کاری از این نازپرورده‌ها ساخته نیست!  
پس چه بهتر که فرماندار بدون ملاحظه از این دسته در

## گزارشی در باره

وقت مجال خواهند داشت  
که مطالب آنرا که  
خلاصه‌ای از آراء و عقائد  
نویسندگان حاضر دنیای  
غرب درباره اسلام است  
تحت مذاقه و بحث‌های  
انتقادی خود قرار دهند

عبدالهادی حائری

مونتریال - کانادا

۲۰ سپتامبر ۱۹۷۰



جلب رضایت توده ملت بکوشد که آنها ستون دین و جامعه مسلمین  
و ذخیره‌ای برای دفع دشمنانند .

### عیبجویان تنبهار

امام معتقد است : فرماندار باید بکوشد تا زنگار  
خیانت‌های علنی را از جامعه بزدايد و از تظاهر بگناه جلوگیری  
کند و به بطون کار مردم کار نداشته باشد ، مردم باید در  
روابط اجتماعی خویش کاملاً رعایت امانت و صداقت را بنمایند  
در کوچه و بازار دزدی نشود ، کم فروشی و خیانت موقوف گردد ،  
بمال و جان و ناموس مردم تعدی نشود ، معاملات بر اساس راستی  
و درستی و امانت و تقوی انجام پذیرد ، اگر خلافی رخ داد فرماندار  
باید با کمال حدت و شدت جلو آنرا بگیرد .

ولی بزوایای کار مردم کار نداشته باشد ممکن است  
گناهانی در خانه‌ها انجام گیرد ، امکان دارد مردمی دور از  
چشم اجتماع درون خانه خویش مرتکب اعمال ناشایستی هم  
بشوند ولی هرگز تظاهر بگناه و آلودگی نکنند گناه در خانه ،  
مثلاً میگساری در منزل ، قمار و نرف باهم در يك محیط کاملاً در بسته  
و امن ، ارتکاب جرمی دور از چشم اجتماع و .. همه و همه گناه  
است ولی سزای آن با خداست و سروکار این گونه گناهکاران با  
خدای بزرگ است فردای قیامت خواست می‌بخشد و خواست  
عقوبت می‌کند اعمال آنها ایجاد مسئولیتی برای زمامدار نمیکند  
فرماندار باید جلو خیانت‌های علنی را بگیرد و از تظاهر بگناه  
جلو گیری کند و بداخل خانه‌های خصوصی افراد کار نداشته باشد .  
و نیز از عیبجویانی که در صدند راز مردم را فاش کنند بشدت  
بپرهیزد ، اینگونه مردم غافلند که خداوند ستار المیوب  
است ، بشر هر چه باشد از گناه و آلودگی پاک و منزه نیست ، ممکن  
است آلودگی‌هایی داشته باشد . این آلودگی‌ها تا آنجا که پنهان بوده و  
عفت عمومی را جریحه دار نسازد جریمه دنیوی ندارد و زمامدار  
هم بایستی در پوشاندن اینگونه عیبهای اجتماع بکوشد .

و بدان آنها که در صدند راز مردم را فاش نموده اسرار  
درویشان را برملا سازند خادمان اجتماع نبوده و فرماندار باید  
از آنها سخت دوری و اجتناب نماید ...

## بقیه از صفحه ۲۵ شکست تاریخی

ازمرزحقیقت فاصله دارد . پیداست که بعضی آنرا از داستانهای جنگی و خاطرات و روایات شفاهی و حماسه‌های جنگی آن عصر گرفته‌اند، که دراصل نورمانی (دانمارکی) و برای نخستین بار در قرن یازدهم میلادی ، یعنی در حدود سه قرن بعد از آن جنگ پدید آمد ، نخست در بعضی از داستانهای تدوین گردید، سپس در قصیده‌ای مشتمل بر چهار هزار بیت بنام « حماسه رولان » CHANSON, DE RLAN و طی قرن‌ها بمنوان بزرگترین اثر ادبی و پر شورترین حماسه جنگی میان اروپائیان باقی ماند .

این واقعه یعنی داستان « باب شزری » منبع سرشاری برای نویسندگان و شعرا گردید که در قرون وسطی تأثیر بسزائی در ادبیات فرانسوی باقی گذاشت .

جالب توجه اینکه شارلمانی بعد از این صدمه فرصت نیافت که برای انتقام از شکست خود و کشته شدن جنگجویان خویش ، بجنگ مسلمین یا « باشکنس‌ها » مبادرت ورزد . از میان گروگان‌ها نیز جز « ثعلبه بن عبیده » فرمانده سپاه عبدالرحمن اموی کسی در دست وی اسیر نماند. ثعلبه مدتی در فرانسه بازداشت بود تا اینکه شارلمانی پس از مذاکراتی او را در قبال گرفتن مبالغ هنگفتی آزاد ساخت بدینگونه نقشه شارلمانی در جنگ با اسپانیای اسلامی ورخته کردن در آن سرزمین باشکست و از دست دادن بهترین سر بازانش پایان یافت . اگر شارلمانی توفیق می‌یافت، « سرقسطه » را فتح کند و بر مرزهای شمالی اسپانیا دست یابد ، رخنه کردن در جنوب اسپانیا برای وی آسان بود ، و در نتیجه زندگی اسپانیای مسلمان بکلی بخطر می‌افتاد . ولی تقدیر چنین بود که نقشه وی بدست سپاه کوچکی از مسلمانان جان بازو شجاع باناکامی و شکست مواجه شود . البته شارلمانی شکست خود را فراموش نکرد و پیوسته در صدد فتح اسپانیا و جبران شکست خود بود .

## بقیه از صفحه ۲۰ سیری در فیهج البلاغه

یعنی بزرگترین این حقوق متقابل ، حق حکومت بر مردم و حق مردم بر حکومت است ، فریضه الهی است ، که برای همه بر همه حقوقی مقرر فرموده ، این حقوق را مایه انتظام روابط مردم و عزت دین آنها قرار داده است ، مردم هرگز روی صلاح و شایستگی نخواهند دید مگر حکومتشان صالح باشد و حکومت‌ها هرگز به صلاح نخواهند آمد مگر توده ملت استوار و با استقامت شوند . هر گاه توده ملت بحقوق حکومت وفادار باشند و حکومت حقوق مردم را ادا کند ، آنوقت است که « حق » در اجتماع محترم و حاکم خواهد شد ، آنوقت است که ارکان دین بپا خواهد خواست آنوقت است که نشانه‌ها و علائم عدل بدون هیچگونه انحرافی ظاهر خواهد شد و آنوقت است که سنت‌ها در مجرای خود قرار خواهد گرفت و محیط و زمانه محبوب و دوست داشتنی می‌شود و دشمن از طمع بستن بچنین اجتماع محکم و استواری مأیوس خواهد شد .